

## مقدمه مؤلف

به نام آن که جان را فکرت آموخت ...

کتابی که همین الان داری مقدمه‌ش رو می‌خونی طوری طراحی شده که بعد از خوندن درس‌نامه‌ش، بتونی اون درس رو خوب یاد بگیری و با مرور سؤال‌های متنوعش، از پس انواع سؤال‌های امتحانی بریایی و در آخر هم با پاسخ‌دادن به آزمون‌هاش، امتحان برات آسون بشه. هر درس شامل درس‌نامه، کلاس خصوصی، نمونه سؤال امتحانی و پاسخ‌نامه کاملاً تشریحیه. واضح‌تر بخوام بگم بخش‌های مختلف هر درس، به ترتیب به صورت زیره:

**A واژگان:** در این بخش، لغات مهم درس به همراه مثالی از کتاب به صورت سطر به سطر آورده شده. بعد از لیست واژگان و کلاس خصوصی، سؤال‌های واژگان به صورتی طراحی شده تا انواع سؤال‌های امتحانی و اکثر لغات آن درس را پوشش بده.

**B گرامر:** بعد از آموزش گرامر درس و کلاس خصوصی، در قسمت «ایستگاه ارزیابی گرامر» چند نمونه سؤال ارائه شده تا ببینین که آیا آمادگی دارین برین سروقت «انواع سؤال‌های امتحانی» یا باید دوباره درس‌نامه رو بخونین.

**C مکالمه:** بعد از ترجمه مکالمه درس، نمونه سؤال مکالمه مرتبط با موضوع درس اومده.


**D خواندن:** برای متن درک مطلب کتاب درسی، سؤال‌های متنوعی طرح شده و بعد از آن یک متن درک مطلب و یک متن کلوز مرتبط با موضوع ری‌دینگ کتاب آورده شده است. در بخش پاسخ تشریحی نیز تمام متن‌ها ترجمه و پاسخ داده شده.

**E تلفظ:** بعد از آموزش تلفظ درس، سؤال‌های تلفظ آورده شده.

**F شنیداری:** در این بخش بعد از توضیح انواع سؤال‌های شنیداری هر درس چند نمونه سؤال امتحانی با پاسخ تشریحی ارائه شده.

**G نگارش:** در ابتدا نگارش درس آموزش داده شده و سپس بعد از یه کلاس خصوصی نگارش، سؤال‌های متنوعی برای آن آورده شده.

**H آزمون:** در آخر هر درس یه آزمون با استفاده از انواع سؤال‌های متنوع مدارس مختلف کشور طراحی شده.

**سؤال‌های:** سؤال‌های با علامت  سخت‌ترین سؤال‌های هر بخشین. اگه به کم‌تر از ۲۰٪ راضی نمی‌شی، بعد از تسلط روی سؤال‌های دیگه، برو سراغ اون‌ها.

**آزمون‌های نوبت اول و دوم:** در انتهای کتاب دو آزمون نوبت اول و چهار آزمون نوبت دوم از کل کتاب طراحی شده.

**کلاس خصوصی:** بعد از آموزش واژگان، گرامر و نگارش، یه کلاس خصوصی واستون گذاشتم و سعی کردم در کلاس به زبانی ساده و گفتاری شما را با انواع سؤال‌هایی که در امتحان میاد آشنا کنم و قلیق‌ها و نحوه پاسخ‌دادن به اونا رو بهترتون درس بدم.

در آخر کتاب برای مرور سریع، تمام لغات مهم درس و خلاصه گرامر و نگارش ارائه شده.

**پاسخ تشریحی:** به تمام سؤال‌های درس به صورت کاملاً تشریحی پاسخ داده شده.

از تمام دوستانی که در به ثمر رساندن این کتاب همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنیم:

مدیریت محترم انتشارات، جناب آقای دکتر نصری

مدیریت محترم تألیف، جناب آقای مهندس مهدی هاشمی

مدیریت محترم تولید، جناب آقای مهندس بقایی

ویراستاران محترم، سرکار خانم علی‌اکبری و جناب آقای ساسان عزیزی‌نژاد

خانم میرجعفری، خانم جالینوس، خانم برخوردار، آقای سمایی، آقای فلاح‌زاده و دیگر عزیزان

از عزیزانی که با تماس‌های خود در رفع اشکالات این کتاب در چاپ جدید ما را یاری کردند، تشکر می‌کنیم.

آرزومند سربلندی شما خوبان

حسن بلند



### Lesson 1: Understanding People

<b>A: Vocabulary</b>	۷	<b>F: Listening</b>	۳۴
<b>B: Grammar</b>	۲۰	<b>G: Writing</b>	۳۵
<b>C: Conversation</b>	۲۹	آزمون جمع‌بندی درس اول	۴۲
<b>D: Reading</b>	۳۱	پاسخ‌نامه تشریحی	۴۵
<b>E: Pronunciation</b>	۳۳	پاسخ آزمون جمع‌بندی درس اول	۵۴

### Lesson 2: A Healthy Lifestyle

<b>A: Vocabulary</b>	۵۷	<b>F: Listening</b>	۸۵
<b>B: Grammar</b>	۷۳	<b>G: Writing</b>	۸۶
<b>C: Conversation</b>	۸۱	آزمون جمع‌بندی درس دوم	۹۳
<b>D: Reading</b>	۸۲	پاسخ‌نامه تشریحی	۹۶
<b>E: Pronunciation</b>	۸۵	پاسخ آزمون جمع‌بندی درس دوم	۱۰۴



### Lesson 3: Art and Culture



<b>A: Vocabulary</b>	۱۰۷	<b>F: Listening</b>	۱۳۰
<b>B: Grammar</b>	۱۱۹	<b>G: Writing</b>	۱۳۱
<b>C: Conversation</b>	۱۲۶	آزمون جمع‌بندی درس سوم	۱۳۷
<b>D: Reading</b>	۱۲۷	پاسخ‌نامه تشریحی	۱۴۰
<b>E: Pronunciation</b>	۱۳۰	پاسخ آزمون جمع‌بندی درس سوم	۱۴۹

۱۵۲

لغات مهم

۱۵۵

خلاصه درس‌ها

آزمون پاسخ	آزمون پاسخ	آزمون پاسخ
۱۸۲ ۱۷۸	۱۶۱ ۱۵۷	۱۶۸ ۱۶۴
امتحان شماره ۴: نمونه امتحان نیم‌سال دوم	امتحان شماره ۱: نمونه امتحان نیم‌سال اول	امتحان شماره ۲: نمونه امتحان نیم‌سال اول
۱۸۸ ۱۸۵	۱۶۸ ۱۶۴	۱۷۵ ۱۷۱
امتحان شماره ۵: نمونه امتحان نیم‌سال دوم	امتحان شماره ۳: نمونه امتحان نیم‌سال دوم	امتحان شماره ۶: امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳
۱۹۵ ۱۹۰		

۱۹۷

افعال بی‌قاعده

۲۰۰

علائم اختصاری و راهنمای تلفظ



## A Vocabulary

### واژگان پایه درس اول

<b>wish</b>	۱- آرزو، ۲- آرزو کردن / داشتن	<b>honestly</b>	۱- راستش (را بخواهی) ۲- صادقانه	<b>notebook</b>	دفتر (یادداشت)
<b>billion</b>	میلیارد	<b>interestingly</b>	جالب این که، جالب است که	<b>nowadays</b>	این روزها، امروزه
<b>bring</b>	آوردن	<b>interview</b>	مصاحبه کردن با	<b>over there</b>	آن جا
<b>cultural</b>	فرهنگی	<b>Just a moment.</b>	یک لحظه صبر کن.	<b>paragraph</b>	پاراگراف
<b>die out</b>	منقرض شدن	<b>knowledge</b>	دانش	<b>pencil sharpener</b>	مدادتراش
<b>endangered</b>	در معرض خطر	<b>language</b>	زبان	<b>protect</b>	محافظت کردن از
<b>eraser</b>	(مداد) پاک کن	<b>laugh</b>	۱- خنده ۲- خندیدن	<b>seek</b>	جست و جو کردن
<b>fall down</b>	افتادن	<b>luckily</b>	خوشبختانه	<b>still</b>	هنوز
<b>fortunately</b>	خوشبختانه	<b>media</b>	رسانه ها	<b>surf</b>	[اینترنت] جست و جو کردن در، گشتن در
<b>happen</b>	اتفاق افتادن	<b>neighbor</b>	همسایه	<b>value</b>	ارزش

### واژگان سطر به سطر درس اول

<b>Title Page</b>	
<b>understand</b> /,ʌndər'stænd/ v	زبان ... را فهمیدن، فهمیدن
He doesn't understand Spanish. او زبان اسپانیایی را نمی فهمد.	
<b>written</b> /'rɪtn/ adj	نوشتاری، کتبی
Some languages have no written form. برخی از زبان ها شکل نوشتاری ندارند.	
<b>available</b> /ə'veɪləbəl/ adj	موجود، در دسترس
The Holy Quran is available in more than 100 languages. قرآن کریم در بیش از صد زبان موجود می باشد.	
<b>die</b> /daɪ/ v	۱- از بین رفتن، نابود شدن ۲- مردن
One language dies about every fourteen days. تقریباً هر چهارده روز یک زبان از بین می رود.	

<b>deaf</b> /def/ adj	ناشنوا
She's deaf in her left ear. او از گوش پیش ناشنوا است.	
<b>sign language</b>	زبان اشاره
Deaf people can talk in sign language. افراد ناشنوا می توانند به زبان اشاره حرف بزنند.	
<b>communicate</b> /kə'mju:nɪkeɪt/ v	ارتباط برقرار کردن
People use language to communicate with each other. مردم از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می کنند.	
<b>Get Ready</b>	
<b>parking lot</b> /'pɑ:rkɪŋ la:t/ n	پارکینگ
There is a parking lot around. There is a parking lot around. وجود دارد.	

**دبیرستان**
**high school** /'haɪ sku:l/ n

میثم دانش‌آموز دبیرستانی است. Meysam is a high school student.

**You're welcome.**

(در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم. «متشکرم» - «فواشش می‌کنم». "Thank you." "You're welcome."

**Russian** /'rʌʃən/ n, adj

۱- (زبان) روسی ۲- (مربوط به) روسیه، روسی

I can speak English and Russian well. من می‌توانم انگلیسی و روسی را به خوبی صحبت کنم.

**begin** /bɪ'ɡɪn/ v

شروع کردن، آغاز کردن

I began learning English at school. من یادگیری انگلیسی را در مدرسه شروع کردم.

**institute** /'ɪnstɪtju:t \$ -tu:t/ n

آموزشگاه، مؤسسه

I learned French in a language institute. من فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفتم.

**Moscow** /'ma:skəʊ/ n

(شهر) مسکو

I learned Russian when I was in Moscow. وقتی در مسکو بودم زبان روسی را یاد گرفتم.

**republic** /rɪ'pʌblɪk/ n

جمهوری

The United States is a republic. ایالات متحده یک جمهوری است.

**broadcasting** /'brɔ:dkæstɪŋ/ n

(رادیو و تلویزیون) پخش، پخش برنامه

They spent a lot of money on sports broadcasting. آن‌ها پول زیادی را صرف پخش برنامه ورزشی کردند.

**early** /'ɜ:li/ adj, adv

زود

I got up early in the morning. من صبح زود بیدار شدم.

**as early as possible**

هر چه زودتر، در اسرع وقت

You should start learning English as early as possible. شما باید هر چه زودتر یادگیری انگلیسی را شروع کنید.

**farming** /'fɑ:rmɪŋ/ n

کشاورزی

Mazandaran is one of the best farming regions of Iran. مازندران یکی از بهترین مناطق کشاورزی ایران است.

**New Words and Expressions**
**region** /'ri:dʒən/ n

منطقه، ناحیه

The birds return to this region every year. پرندگان هر سال به این منطقه برمی‌گردند.

**continent** /'kɑ:ntɪnənt/ n

قاره

Asia is the largest continent in the world. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

**exist** /ɪg'zɪst/ v

وجود داشتن

Does water really exist on Mars? آیا واقعاً در مریخ آب وجود دارد؟

**native** /'neɪtɪv/ adj

۱- [زبان] مادری ۲- بومی

Spanish is Diego's native language. اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

**native speaker**

۱- سخنگوی بومی (زبان)، گویشور بومی

All our teachers are native speakers of English. همه معلم‌هایمان انگلیسی‌زبان هستند.

**range** /reɪndʒ/ v

متغیر بودن، نوسان داشتن

Dictionary prices range from \$5 to \$15. قیمت‌های فرهنگ لغت از ۵ دلار تا ۱۵ دلار متغیر است.

**around** /ə'raʊnd/ adv, prep

 ۱- این نزدیکی‌ها، همین دوروبر ۲- سرتاسر ۳- دور  
 Is Helen around? I want to speak to her. آیا هلن همین دوروبره؟ می‌فوام با او صحبت کنم.

**turn off** /tɜ:rn 'a:ɪf/ phr v

تلویزیون و غیره خاموش کردن

You must turn off your mobile here. تو باید این‌جا موبایلت را خاموش کنی.

**keep off** /ki:p 'a:ɪf/ phr v

وارد ... نشدن، دورماندن از

Keep off the grass. وارد چمن نشوید.

**grass** /græs/ n

علف، چمن

Don't walk on the grass. بر روی چمن راه نروید.

**storybook** /'stɔ:ri:bʊk/ n

کتاب داستان

On weekends, I read storybooks. در تعطیلات آخر هفته، کتاب‌های داستان می‌خوانم.

**foreigner** /'fɔ:reɪnər, 'fɑ:z-/ n

(فرد) خارجی

A lot of foreigners visit our town. افراد خارجی زیادی از شهرستان بازدید می‌کنند.

**Conversation**
**besides** /bɪ'saɪdɪz/ prep

علاوه بر، گذشته از

Besides my mother tongue, Persian, I speak English well. علاوه بر زبان مادری‌ام، فارسی، انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کنم.

**mother tongue** /,mʌðər 'tʌŋ/ n

زبان مادری

Is English or French his mother tongue? آیا انگلیسی زبان مادری‌اش است یا فرانسوی؟

**experience** /ɪk'spɪəriəns/ n, v

۱- تجربه ۲- تجربه کردن

He has a lot of experience in teaching English. او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی دارد.

**absolutely** /'æbsəlu:tli/ adv

قطعاً، حتماً

She has absolutely no enemies. او قطعاً هیچ دشمنی ندارد.

**fluently** /'flu:əntli/ adv

به راحتی، (به‌طور) روان، سلیس

She speaks five languages fluently. او به راحتی به پنج زبان صحبت می‌کند.

**honest** /'ɑ:nəst/ adj

صادق، راستگو

I am sure that he is an honest man. مطمئنم که او مرد صادقی است.

**to be honest (with you)**

راستش را بخواهی، راستش

To be honest, I don't want to go. راستش را بخواهی، من نمی‌فوام بروم.

**point** /pɔɪnt/ n

نکته، مسئله

That's a very important point. آن نکته بسیار مهمی است.

**IRIB** /,aɪ a:ɪ aɪ 'bɪz/ n

صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

Babak is a translator who works for IRIB. بابک مترجمی است که برای صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.

**host** /həʊst/ v, n

۱- میزبان ... بودن ۲- میزبان

He is hosting Meysam in his office. او در دفترش میزبان میثم است.

**project** /'prɔ:dʒekt/ n

پروژه، طرح

He is interviewing Mr. Saberian for his school project. او برای پروژه مدرسه‌اش دارد با آقای صابریان مصاحبه می‌کند.

**popular** /'pɑ:pjələ/ *adj*

پرطرفدار، محبوب

Rice is the most popular food in Iran.

برنج پرطرفدارترین غذا در ایران است.

**percent** /pə'sent/ *adj*

درصد

Today, less than 40 percent of people live in villages.

امروزه، کم‌تر از ۴۰ درصد از مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

**imagine** /ɪ'mædʒɪn/ *v*

تصور کردن

Imagine you are traveling in space.

**space** /speɪs/ *n*

۱- فضا ۲- جا

Who was the first human being in space?

اولین انسانی که به فضا رفت چه کسی بود؟

**meet** /mi:t/ *v*

۱- ملاقات کردن ۲- برآورده کردن، برآوردن

Will this amount of money meet your needs?

آیا این مقدار پول نیازهای شما را برآورده خواهد کرد؟

**meet the needs of**

نیازهای ... را برآورده کردن

Scientists say that by 2050, wind power can meet the needs of the world.

دانشمندان می‌گویند تا سال ۲۰۵۰، نیروی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

**by** /baɪ/ *prep*

I must finish this work by six o'clock.

من باید این کار را تا ساعت شش تمام کنم.

**century** /'sentʃəri/ *n*

قرن

He was born in the 19th century.

**explain** /ɪk'spleɪn/ *v*

توضیح دادن

He explained how to use the microscope.

او نحوه استفاده از میکروسکوپ را توضیح داد.

**means** /mi:nz/ *n*

وسیله، طریق

We crossed the river by means of a small bridge.

ما از طریق یک پل کوچک از رودخانه رد شدیم.

**by means of**

از طریق، به وسیله

I tried to explain the new word by means of sign language.

من سعی کردم کلمه جدید را به وسیله زبان اشاره توضیح بدم.

**society** /sə'saɪətɪ/ *n*

جامعه

We live in an Islamic society.

**ability** /ə'bilɪti/ *n*

توانایی

Human's ability to talk makes him different from animals.

توانایی انسان در صحبت کردن او را از حیوانات متفاوت می‌کند.

**physical** /'fɪzɪkəl/ *adj*

جسمی، بدنی

Your son is in good physical health.

پسر شما در سلامت جسمی خوبی است.

**mental** /'mentl/ *adj*

روانی، ذهنی

Mental health is as important as physical health.

سلامت روانی به اندازه سلامت جسمی مهم است.

**vary** /'veəri/ *v*

تفاوت داشتن، متفاوت بودن

In some cities, prices vary from shop to shop.

در برخی شهرها، قیمت‌ها از فروشگاه‌ها به فروشگاه‌ها دیگر متفاوت است.

**make up** /meɪk 'ʌp/ *phr v*

تشکیل دادن

China makes up 18% of the world's population.

چین ۱۸ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.

**amount** /ə'maʊnt/ *n*

مقدار، میزان

He spent a large amount of money.

**population** /,pə:pju'leɪʃən/ *n*

جمعیت

What is the population of your country?

جمعیت کشور شما چه قدر است؟

**despite** /dɪ'spaɪt/ *prep*

به‌رغم، با وجود

I enjoyed the weekend, despite the bad weather.

با وجود هوای بد از تعطیلات آخر هفته لذت بردم.

**notice** /'nəʊtɪs/ *n, v*

۱- توجه ۲- توجه کردن به

Her red dress attracted notice.

**take notice of**

توجه کردن به

I didn't take any notice of what she said.

من به آن چه او گفت هیچ توجهی نکردم.

## Reading

**communication** /kə'mju:nɪ'keɪʃən/ *n*

ارتباط، (صفت‌گونه) ارتباطی

Every language is an amazing means of communication.

هر زبان یک ابزار ارتباطی شگفت‌انگیز است.

**means of communication**

وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی

They had no means of communication.

آن‌ها هیچ ابزار ارتباطی نداشتند.

**spoken** /'spəʊkən/ *adj*

گفتاری

Languages use written and spoken forms.

زبان‌ها از شکل نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کنند.

**each other** /i:tʃ əðər/ *pron*

یکدیگر، همدیگر

They're always wearing each other's clothes.

آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.

**exchange** /ɪks'tʃeɪndʒ/ *v*

ردوبدل کردن، مبادله کردن

Through languages, people can exchange knowledge.

افراد از طریق زبان می‌توانند دانش مبادله کنند.

**feeling** /'fi:liŋ/ *n*

احساس

I enjoy running - it gives me a good feeling.

من از دویدن لذت می‌برم - آن به من احساس خوبی می‌دهد.

**through** /θru:/ *prep*

۱- از طریق ۲- از میان

People exchange feelings through language.

مردم احساسات را از طریق زبان مبادله می‌کنند.

**greatly** /'gretli/ *adv*

خیلی، بسیار زیاد

Languages vary greatly from region to region.

زبان‌ها از منطقه‌ای به منطقه (دیگر) بسیار متفاوت هستند.

**so ... that**

آن قدر ... که، آن چنان ... که

This bag is so heavy that I can't carry it.

این کیف آن قدر سنگین است که من نمی‌توانم آن را حمل کنم.

**surprising** /sə'praɪzɪŋ/ *adj*

شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

The news was surprising.

آن خبر شگفت‌انگیز بود.

**Oceania** /oʊ'ʃi:ɛɪniə/ *n*

اقیانوسیه

There are more than 1300 languages in Oceania.

بیش از ۱۳۰۰ زبان در اقیانوسیه وجود دارد.

**speaker** /'spi:kər/ *n*

گوینده، گویشور، سخنگو

When a language has no speakers, it dies out.

وقتی یک زبان هیچ گویشوری نداشته باشد، از بین می‌رود.



**learner** /'lɜːrnər/ *n* **نوآموز، فراگیر**  
 English has around one billion learners around the world.  
 زبان انگلیسی حدود یک میلیارد فراگیر در سرتاسر جهان دارد.

**nearly** /'niːəli/ *adv* **تقریباً**  
 The endangered languages make up nearly 8 percent of the world's languages.  
 زبان‌های در معرض خطر تقریباً ۸ درصد زبان‌های جهان را تشکیل می‌دهند.

**call** /kɑːl/ *v* **۱- نامیدن ۲- تلفن کردن (به) ۳- صدا زدن**  
 They called the baby Peter.  
 آن‌ها بچه را پیتر نامیدند.

**valuable** /'væljəbəl/ *adj* **بازارزش**  
 All languages are really valuable, despite their differences.  
 تمام زبان‌ها با وجود تفاوت‌هایشان فیلی بازارزش هستند.

**impossible** /ɪm'pɑːsɪbəl/ *adj* **غیرممکن**  
 It is impossible to imagine the world without language.  
 تصور کردن جهان بدون زبان غیرممکن است.

**difference** /'dɪfərəns, 'dɪfr-/ *n* **تفاوت، اختلاف**  
 Honestly, I didn't understand their differences.  
 راستش را بخواهی، تفاوت آن‌ها را نفهمیدم.

**therefore** /'ðerfɔːr/ *adv* **بنابراین، در نتیجه**  
 It was late, therefore I didn't stay long.  
 دیر وقت بود، بنابراین مدت زیادی نماندم.

**no matter ...** /nou 'mætər/ **... صرف نظر این که ... مهم نیست که ...**  
 We should respect all languages, no matter how many speakers they have.  
 ما باید به تمام زبان‌ها احترام بگذاریم؛ مهم نیست که چقدر گویشور داشته باشند.

## Vocabulary Development

**tiny** /'taɪni/ *adj* **خیلی کوچک**  
 Ants are tiny insects.  
 مورچه‌ها حشرات فیلی کوچکی هستند.

**simple** /'sɪmpəl/ *adj* **ساده، ابتدایی**  
 She explained her work in simple language.  
 او کارش را به زبانی ساده توضیح داد.

**largely** /'lɑːrdʒli/ *adv* **عمدتاً، بیشتر، زیاد**  
 The room is largely used for meetings.  
 این اتاق بیشتر برای جلسات استفاده می‌شود.

**think of** /θɪŋk əv/ *v* **فکر کردن درباره، تصور ... را کردن**  
 I can't think of life without water.  
 من نمی‌توانم زندگی بدون آب را تصور کنم.

## Grammar

**disappear** /,dɪsə'piər/ *v* **از بین رفتن، ناپدید شدن**  
 When a language dies, the culture disappears with it.  
 وقتی یک زبان از بین می‌رود، فرهنگ با آن از بین می‌رود.

**live** /laɪv/ *adj* **زنده**  
 The number of live languages of the world is around 7000.  
 تعداد زبان‌های زنده دنیا حدود ۷۰۰۰ زبان است.

**countable** /'kaʊntəbəl/ *adj* **قابل شمارش**  
 The word "chair" is a countable noun.  
 کلمه "chair" اسم قابل شمارش است.

**uncountable** /ʌn'kaʊntəbəl/ *adj* **غیر قابل شمارش**  
 There are many uncountable words for food in English.  
 کلمات غیر قابل شمارش زیادی برای غذا در انگلیسی وجود دارد.

**slice** /slaɪs/ *n* **تکه، قطعه، برش، قاچ**  
 She cut the bread into three slices.  
 او نان را به سه تکه تقسیم کرد.

**piece** /piːs/ *n* **قطعه، تکه، برش**  
 Would you like a piece of cake?  
 یک تکه کیک میل دارید؟

**bottle** /'bɒtl/ *n* **بطری**  
 They drank two bottles of water.  
 آن‌ها دو بطری آب خوردند.

**sugar** /'fʊɡər/ *n* **شکر**  
 There were four types of sugar in the shop.  
 چهار نوع شکر در فروشگاه وجود داشت.

**loaf** /ləʊf/ *n* **قرص (نان)**  
 My mother baked five loaves of bread.  
 مادر من پنج نان پخت.

**a loaf of bread** **یک قرص نان، یک نان**  
 I bought a loaf of bread for breakfast.  
 یک نان برای صبحانه خریدم.

**kilo** /'kiːləʊ/ *n* **کیلو**  
 Tom bought three kilos of apples.  
 تام سه کیلو سیب خرید.

**meat** /miːt/ *n* **گوشت**  
 I bought 2 kilos of meat.  
 من دو کیلو گوشت خریدم.

**coffee shop** /'kɑːfi ʃɑːp/ *n* **کافی شاپ، کافه تریا**  
 I ordered a cup of coffee at the coffee shop.  
 یک فنجان قهوه در کافی شاپ سفارش دادم.

**order** /'ɔːrdər/ *v* **۱- سفارش دادن ۲- دستور دادن**  
 I ordered some coffee.  
 مقداری قهوه سفارش دادم.

**glass** /glæs/ *n* **لیوان**  
 Please give me a glass of milk.  
 لطفاً یک لیوان شیر به من بدهید.

**juice** /dʒuːs/ *n* **آمیوه، آب، آمیوه**  
 He gave me a glass of orange juice.  
 او یک لیوان آب پرتقال به من داد.

**wrongly** /'rɒŋli/ *adv* **به اشتباه، اشتباهی**  
 He spelled his name wrongly.  
 او نامش را اشتباهی هجی کرد.






**English speaker** **انگلیسی‌زبان، گویشور انگلیسی**  
 He is an English speaker.  
 او انگلیسی‌زبان است.

**traffic** /'træfɪk/ *n* **ترافیک، عبور و مرور**  
 There was much traffic on the roads on Monday.  
 دو شنبه ترافیک زیادی در جاده‌ها بود.



**few** /fjuː/ *adj* **کمی، تعداد کمی، تعداد خیلی کمی**  
 Few people live to the age of 100.  
 تعداد فیلی کمی از افراد تا سن ۱۰۰ سالگی عمر می‌کنند.

**little** /'lɪtl/ *adj* **کمی، مقدار کمی، مقدار خیلی کمی**  
 We have very little money.  
 ما پول فیلی کمی داریم.

**watermelon** /'wɑːtərmelən/ *n* **هندوانه**  
 I ate a slice of watermelon.  
 من یک قاچ هندوانه خوردم.

ردیف	آزمون جمع‌بندی درس اول	کلیه رشته‌ها	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	Kheilisabz.com	نمره		
	سؤالات آزمون جمع‌بندی درس اول، منتخب سؤالات امتحانی مدارس برتر کشور است.						
<b>A. Listening</b>							
۱	۴	 <p>برای دانلود فایل‌های صوتی این بخش، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.</p> <p>دانش‌آموزان عزیز، به مکالمه بین مارک و مادرش به دقت گوش دهید، سپس به سؤالات به شکل خواسته‌شده، پاسخ دهید.</p>					
		<p>1. Mark is going into town alone to meet his friends. <span style="float: right;">A) True    B) False</span></p> <p>2. Mark's mother asked him to buy two bottles of milk. <span style="float: right;">A) True    B) False</span></p> <p>3. Mum asked Mark to buy ..... .</p> <p style="margin-left: 40px;">a) no chicken <span style="margin-left: 200px;">b) two kilos of chicken</span></p> <p style="margin-left: 40px;">c) no potatoes <span style="margin-left: 150px;">d) two kilos of potatoes</span></p> <p>4. How much bread is there at home?</p>					
۲	۴	<p>دانش‌آموزان عزیز، به فایل صوتی در مورد «زبان» به دقت گوش دهید، سپس جاهای خالی را پر کنید.</p> <p>All languages are really .....5....., despite their differences. Every language is an amazing .....6..... of communication that meets the needs of its own speakers. It is impossible to .....7..... the world without language. Therefore, we should .....8..... all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.</p>					
<b>B. Vocabulary</b>							
۳	۰/۵	<p>کلمه ناهم‌هنگ را انتخاب کنید.</p> <p>9. a) Chinese <span style="margin-left: 100px;">b) Russian</span> <span style="margin-left: 100px;">c) Germany</span> <span style="margin-left: 100px;">d) Spanish</span></p> <p>10. a) England <span style="margin-left: 100px;">b) Belgium</span> <span style="margin-left: 100px;">c) China</span> <span style="margin-left: 100px;">d) Europe</span></p>					
۴	۱	<p>با توجه به تصاویر داده‌شده، جمله‌های زیر را کامل کنید.</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  <p>11</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>12</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>13</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>14</p> </div> </div> <p>11. More than 80 ..... of people have access to the Internet.</p> <p>12. Asia is the largest ..... in the world.</p> <p>13. D..... people use sign language to communicate.</p> <p>14. Mazandaran is one of the best farming r..... of Iran.</p>					
۵	۱	<p>برای هر تعریف از ستون A یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است).</p> <table style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%; vertical-align: top;"> <p style="text-align: center;"><b>A</b></p> <hr/> <p>15. get better</p> <p>16. in addition to someone or something else</p> <p>17. to be present or real</p> <p>18. a large group of people who live together</p> </td> <td style="width: 50%; vertical-align: top;"> <p style="text-align: center;"><b>B</b></p> <hr/> <p>a) society</p> <p>b) besides</p> <p>c) ability</p> <p>d) improve</p> <p>e) exist</p> </td> </tr> </table>	<p style="text-align: center;"><b>A</b></p> <hr/> <p>15. get better</p> <p>16. in addition to someone or something else</p> <p>17. to be present or real</p> <p>18. a large group of people who live together</p>	<p style="text-align: center;"><b>B</b></p> <hr/> <p>a) society</p> <p>b) besides</p> <p>c) ability</p> <p>d) improve</p> <p>e) exist</p>			
<p style="text-align: center;"><b>A</b></p> <hr/> <p>15. get better</p> <p>16. in addition to someone or something else</p> <p>17. to be present or real</p> <p>18. a large group of people who live together</p>	<p style="text-align: center;"><b>B</b></p> <hr/> <p>a) society</p> <p>b) besides</p> <p>c) ability</p> <p>d) improve</p> <p>e) exist</p>						
۶	۱	<p>جملات زیر را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).</p> <p style="text-align: center; border: 1px solid black; border-radius: 15px; padding: 5px; display: inline-block;">surprising . popular . access . imagine . hints</p> <p>19. Our teacher gave us some important ..... on how to use a dictionary more effectively.</p> <p>20. It's not ..... that Mary got the best grade. She studied non-stop.</p> <p>21. Coffee is probably the most ..... drink in Iran.</p> <p>22. Can you ..... how much money Bill Gates has?</p>					



۰/۵	جای خالی را با دانش خود کامل کنید. 23. Ghazal: What is the n _ _ _ _ language of Indian people? Tarannom: Hindi. 24. To be h..... with you, I'm not exactly sure what happened.	۷
<b>C. Grammar</b>		
۱/۵	گزینه صحیح را انتخاب کنید. 25. There was a lot of ..... in the box and I took ..... a) cheese / many      b) mice / a little      c) apples / a few      d) bread / some 26. "How ..... money do you have?" "I have ....." a) much / a little      b) many / a little      c) much / a few      d) many / some 27. The company has not paid me for two ..... Can you lend me ..... money? a) month / a few      b) months / a lot      c) months / some      d) month / a little 28. My father bought a ..... of rice for 70000 tomans. a) loaf      b) slice      c) bag      d) bottle 29. There are ..... in the world. a) thousands languages      b) seven thousands languages c) thousands of language      d) seven thousand languages 30. My friend has ..... knowledge in Arabic. She cannot answer my question. a) few      b) any      c) little      d) much	۸
۰/۵	با استفاده از (few / a few / little / a little / many / much)، جاهای خالی زیر را کامل کنید. 31. A: How ..... interesting papers are there? B: There are quite a lot. 32. He couldn't come in to have a drink because he had ..... time before the meeting.	۹
۰/۵	شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید. 33. My cousin bought my mother a few ..... and some ..... (egg / sugar)	۱۰
۰/۲۵	با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید. 34. was / having / milk / loaves / breakfast / a few / of / bread / he / and / some / for / ?	۱۱
۰/۲۵	برای پاسخ زیر سؤالی مناسب بنویسید. 35. ....? I need <u>a lot of</u> money to buy a car.	۱۲
۰/۵	با توجه به تصاویر به سؤال‌های زیر پاسخ دهید. 36. How much water do you drink every day?  37. How much bread did he buy? 	۱۳
۰/۵	اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید. 38. Helen: Would you like some orange juice? Mike: Yes, a few, please. 39. There isn't any milk in the fridge, but there are a lot of butter.	۱۴
<b>D. Writing</b>		
۰/۷۵	کلمات ناقص زیر را کامل کنید. 40. All languages are really val _ able, desp _ te their differences. 41. They live in an Islamic soc _ _ ty.	۱۵
۰/۵	کلمات به هم ریخته را مرتب کنید. 42. They (ecxhnaeg) their beliefs, wishes, etc. through a language. 43. Dictionary prices (negar) from 5 to 15 dollars.	۱۶
۲	با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید. 44. is / making / mother / some / in the kitchen / cookies / now / my / . 45. aunt / bakes / loaves / us / some / our / weekend / of / bread / at / the / always / .	۱۷





۳۰- **so** او سلامتی‌اش را از دست داد و بنابراین مشکلاتش افزایش پیدا کرد.

therefore = so بنابراین

۳۱- **amazing** تعداد افرادی که در تصادفات ماشین فوت می‌کنند تعجب‌آور است.

surprising = amazing شگفت‌انگیز، هیرت‌انگیز، تعجب‌آور

۳۲- **very much** من از این که او را آن‌جا می‌دیدم خیلی تعجب نکردم.

greatly زیاد = very much خیلی، بسیار زیاد

be surprised تعجب‌کردن

۳۳- **late** قطار ده دقیقه زود رسید.

early زود ≠ late دیر

۳۴- **difficult** نوشتن نامه به انگلیسی خیلی آسان نبود.

simple سفت، دشوار ≠ difficult ساده، آسان

۳۵- **pieces** لطفأ هندوانه را به شش قاچ تقسیم کنید.

slice = piece تکه، قطعه، برش

cut into تقسیم‌کردن، قسمت‌کردن

۳۶- **finish** او قصد دارد اواخر این هفته پروژه را شروع کند.

begin تمام‌کردن ≠ finish شروع‌کردن

۳۷- **area** آن پرنده هر سال به این منطقه برمی‌گردد.

region = area منطقه، ناحیه

۳۸- **honest** راستش را بخواهی، فکر نمی‌کردم انگلیسی‌اش خیلی خوب باشد.

۳۹- **grass** برخی حیوانات مثل گاو و گوسفند علف می‌خورند.

۴۰- **besides** عموم علاوه بر انگلیسی به دو زبان (دیگر) صحبت می‌کند.

۴۱- **make up** آن‌ها حدود ۱۲/۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند.

۴۲- **vary** این جعبه‌ها از نظر اندازه از کوچک تا بزرگ با هم فرق دارند.

۴۳- **explained** معلم معنی آن شعر را برای ما توضیح داد.

۴۴- **regions** در زمستان پرنندگان به مناطق جنوبی کشور پرواز می‌کنند.

۴۵- **access** بیش از ۸۰ درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند.

۴۶- **amount** تام مقدار زیادی پول از عموم قرض گرفت.

۴۷- **despite** با وجود هوای بد تصمیم گرفتیم بیرون برویم.

۴۸- **exchange** اگر امکان دارد می‌خواهم این را با اندازه بزرگ‌تر تعویض کنم.

۴۹- **feelings** من چیزی نگفتم که به احساساتش صدمه بزند.

۵۰- **experience** او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی به کودکان دارد.

۵۱- **valuable** او چند توصیه بسیار ارزشمند به من کرد.

۵۲- **exists** هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که حیات در سیارات دیگر وجود داشته باشد.

۵۳- **range** در این فروشگاه، قیمت‌ها از ۱۰ تا ۵۰ دلار متغیر است.

۵۴- **native** یک گویشور بومی کسی است که زبانی را به عنوان زبان مادری‌اش صحبت می‌کند.

۱- **گزینه «c»** project به معنی پروژه است ولی بقیه به ترتیب (زبان اشاره، علائم راهنمایی و راهنمایی، اندنگی، ایمیل) وسایل ارتباطی هستند.

۲- **گزینه «b»** Turkey (ترکیه) اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (عربی، روسی و آلمانی) اسم زبانن.

۳- **گزینه «a»** juice (آبمیوه) مایع است ولی بقیه به ترتیب (شکر، برنج و گوشت) جامدن.

۴- **گزینه «c»** Russia (روسیه) اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (آفریقا، آمریکای شمالی و اروپا) اسمای قاره هستند.

۵- **گزینه «a»** language به معنی زبانه ولی بقیه به ترتیب (آموزشگاه، دبیرستان و آزمایشگاه) مکانن.

۶- **گزینه «a»** Canadian (کانادایی) فقط اسم یک ملیت ولی بقیه به ترتیب (ایتالیایی، اسپانیایی و یونانی) هم اسم ملیت و هم اسم زبانن.

۷- **گزینه «c»** moon (کره ماه) به ستاره است ولی بقیه به ترتیب (ماه، قرن، سال) مربوط به زمانن.

۸- **(b)** افراد ناشنوا از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.

۹- **(e)** امروزه کم‌تر از ۴۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

۱۰- **(d)** افراد از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند.

۱۱- **(a)** ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.

۱۲- **native** اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

۱۳- **needs** دانشمندان می‌گویند که تا سال ۲۰۵۰، نیروی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

۱۴- **range** قیمت فرهنگ لغت از ۵ تا ۱۵ دلار متغیر است.

۱۵- **means** معلم ما سعی کرد کلمه جدید را با استفاده از زبان اشاره توضیح دهد.

۱۶- **(e)** زبان مادری او his mother tongue

۱۷- **(b)** take photographs of animals

عکس گرفتن از حیوانات

۱۸- **(f)** make a mistake اشتباه کردن

۱۹- **(g)** range in number از نظر تعداد با هم فرق داشتن

۲۰- **(a)** a language institute یک مؤسسه زبان

۲۱- **(c)** by means of sign language از طریق زبان اشاره

۲۲- **society** (جامعه) گروه بزرگی از افراد که با یکدیگر زندگی می‌کنند

۲۳- **percent** (درصد) یک قسمت در هر صد (تا)

۲۴- **mother tongue** (زبان مادری) اولین زبانی که وقتی کودک هستتید یاد می‌گیرید

۲۵- **century** (قرن) یک دوره صدساله

۲۶- **(c)** من با وجود هوای بد از تعطیلات آخر هفته لذت می‌برم. (بدون توجه کردن به)

۲۷- **(d)** چین ۱۸٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. (تشکیل‌دادن یک چیز، مقدار یا تعداد)

۲۸- **(a)** در برخی از شهرها، قیمت‌ها از یک فروشگاه به فروشگاه دیگر متفاوت است. (متفاوت‌بودن از یکدیگر)

۲۹- **(e)** توانایی انسان در صحبت کردن او را از حیوانات متفاوت می‌کند. (قدرت جسمی یا ذهنی یا مهارت انجام‌دادن کاری)

۸۱- **گزینه «b»** من برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقداری پول نیاز دارم.

در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money) از **a little**، **some** یا **a lot of** می‌توانیم استفاده کنیم ولی قبل از **English book**، باید از **an** یا **the** استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر در دست بود؛

I need a little money to buy an English book.

برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.

I need a little money to buy the English book.

برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.

I need a lot of money to buy the English book.

برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار زیادی پول نیاز دارم.

۸۲- **گزینه «a»** دیروز قبل از ساعت ۷ چند بار از خواب بلند شدید؟

**time** به معنی (زمان) اسم غیر قابل شمارش ولی مثل این تست، به معنی «بار»، دفعه اسم قابل شمارش و قبل از آن **How many** می‌آید.

به تفاوت قابل شمارش و غیر قابل شمارش بودن **time** در مثالی زیر توجه کنیم؛

How much time do you need to finish your homework?

چه قدر زمان لازم داری تا تکلیفت را تمام کنی؟

How many times a month do you go to the cinema?

چند بار در ماه به سینما می‌روی؟

۸۳- **گزینه «d»** «شما چه قدر پول دارید؟» «من ۱۰۰ دلار دارم.» قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از **much** استفاده کنیم ولی قبل از اسم قابل شمارش جمع (dollars)، باید از **many** استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه (a) در دست بود؛

شما چند دلار دارید؟ "How many dollars have you got?"

۸۴- **گزینه «c»** ما فقط تعداد کمی هویج داریم. باید بریم و کمی بیشتر بخریم.

در این تست، قبل از اسم قابل شمارش جمع (carrots)، از **a few** یا **a lot of** می‌توانیم استفاده کنیم ولی با توجه به معنی، **a few** در دست.

۸۵- **گزینه «d»** متأسفم من نمی‌توانم پول ناهار شما را پرداخت کنم. من مقدار کمی پول دارم.

در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از **little**، **some** یا **a lot of** می‌توانیم استفاده کنیم ولی با توجه به این‌که **little** مفهوم منفی دارد،

**little** در دست.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه (a) و (b) در دست بود؛

I can pay for your lunch. I have a lot of / some money.

من می‌توانم پول ناهار شما را پرداخت کنم. من مقدار زیادی / مقداری پول دارم.

۸۶- **گزینه «c»** مقداری گوشت بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

**some** رو با اسم غیر قابل شمارش (meat) به همراه فعل مفرد (is) یا با اسم قابل شمارش جمع (apples) به همراه فعل جمع (are) استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه (a) در دست بود؛

There are some apples on the table in the kitchen.

تعدادی سیب بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

۸۷- **گزینه «c»** مارتین برای ناهار زیاد غذا نخورد - فقط یک پرتقال و مقداری نان.

بعد از **an**، از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف صدادار شروع شده باشد و بعد از **some**، از اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش استفاده کنیم.

۵۵- **meet** آیا این مقدار پول نیاز شما را برآورده می‌کند؟

۵۶- **written** این کتاب هم در انگلیسی گفتاری و هم در انگلیسی نوشتاری به شما کمک خواهد کرد.

۵۷- **mental** سلامت جسمی و روانی‌اش دارد بدتر می‌شود.

۵۸- **each** آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.

۵۹- **means** ایمیل دارد ابزار ارتباطی مهمی می‌شود.

۶۰- **tongue** او انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کند اما زبان مادری‌اش چینی است.

۶۱- **matter** من همیشه برای فرزندانم وقت خواهم داشت مهم نیست چه قدر سرم شلوغ باشد.

۶۲- **گزینه «d»** ارتباط برقرار کردن با افراد می‌تواند دشوار باشد اگر به زبان آن‌ها صحبت نکنید.

۶۳- **گزینه «b»** غذادادن به حیوانات جاذبه‌ای پرتعداد برای بازدیدکنندگان از مزرعه است.

۶۴- **گزینه «c»** چشمانتان را ببندید و سفر در فضا را تصور کنید.

۶۵- **گزینه «a»** آن‌ها در مورد نقش زن و مرد در جامعه امروزی تحقیق کردند.

۶۶- **گزینه «b»** پدرش ناگهان به خاطر حمله قلبی در سال ۱۸۹۲ در سن ۳۷ سالگی فوت کرد.

۶۷- **گزینه «c»** بسیاری از شهرهای جهان بیش از ۵ میلیون جمعیت دارند.

۶۸- **گزینه «d»** آیا بچه‌ها اختلاف بین خوب و بد را می‌دانند؟

۶۹- **گزینه «a»** برای زاپنی‌ها دشوار است که به راحتی انگلیسی صحبت کنند.

۷۰- **گزینه «c»** هر سال جمعیت جهان به طور متوسط تا دو درصد افزایش می‌یابد.

به طور متوسط on average

۷۱- **گزینه «a»** برای او عکس گرفتن در تاریکی غیرممکن بود.

۷۲- **گزینه «c»** قصد دارم از شما چیزی بپرسم و از شما می‌خواهم با من صادق باشید.

۷۳- **گزینه «b»** آیا می‌دانستید که آسیا و آفریقا دوتا از بزرگ‌ترین قاره‌های جهان هستند؟

۷۴- **گزینه «c»** فکر می‌کنید یادگرفتن کدام زبان خارجی برای انگلیسی‌زبان‌ها راحت‌ترین است؟

۷۵- **گزینه «a»** من دو فرد خارجی را ملاقات کردم. یکی اهل کانادا و دیگری اهل انگلستان بود.

۷۶- **گزینه «d»** از آن‌جا که او به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کند، گردشگر چینی نفهمید که راننده تاکسی چه می‌گفت.

۷۷- **گزینه «a»** متأسفانه پدر بزرگ من وقتی در دهه شصت سالگی‌اش بود ناشنوا شد و در حال حاضر نمی‌تواند چیزی بشنود.


۷۸- **گزینه «b»** بیش از نیمی از اروپایی‌ها حداقل به یک زبان دیگر علاوه بر زبان مادری خود صحبت می‌کنند.




۷۹- **گزینه «a»** در بسیاری از مناطق جهان، به‌ویژه در آفریقا، غذای کافی برای تأمین نیازهای همه وجود ندارد.

meet everyone's need

نیازهای همه را برآورده کردن، نیازهای همه را تأمین کردن

۸۰- **گزینه «c»** راستش را بخواهید، فکر نمی‌کنم دخترعموی شما شخص مناسبی برای این کار باشد. در واقع، او تجربه کافی برای انجام چنین کار مهمی را ندارد.

نمره	زبان انگلیسی (یازدهم)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیم‌سال دوم
ردیف	Kheilisabz.com		امتحان شماره ۶: نهایی خرداد ۱۴۰۳
	<div style="display: flex; align-items: center; justify-content: center;">  <div style="border: 1px solid #ccc; padding: 5px; background-color: #e0f0ff;">                     برای دانلود فایل‌های صوتی این آزمون، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.                 </div> </div>		
۲	<b>Listening</b> دانش‌آموز عزیز، در این بخش به فایل صوتی با دقت گوش دهید، سپس جملات صحیح را با (True) و جملات غلط را با (False) مشخص نمایید.		۱
۲/۵	۱. Besides his mother tongue, Mr. Saberian learnt four other languages.      A) True      B) False ۲. He started learning English at school at the age of thirty.                      A) True      B) False ۳. He began learning Russian when he was a university student.                  A) True      B) False ۴. He learned Persian first, and then English, French, and Russian.                  A) True      B) False دانش‌آموزان عزیز، به مکالمه زیر با دقت گوش دهید و سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید.		۲
۲/۵	۵. He loves computers and ..... a) going online                      b) going shopping                      c) watching TV ۶. He thinks the Internet is ..... a) surprising                      b) amusing                      c) amazing ۷. You can travel all over the world through the ..... a) car                      b) airplane                      c) Internet ۸. He ..... yesterday. a) went to China                      b) stood by a pyramid                      c) climbed the mountain ۹. His traveling was like the ..... thing. a) exciting                      b) real                      c) boring دانش‌آموزان عزیز، به مکالمه زیر با دقت گوش دهید و جاهای خالی را با کلمه مناسب کامل کنید.		۳
۲	A: Hi, you are looking so much happy. What's the .....10..... ? B: Yes, you are .....11..... . Actually, I was talking with my father about my life. A: Were you talking about your job in the future? B: Yes, I was. A: And what's that? B: I want to become a doctor. A: That's very good. Why do you want to become a doctor? B: I want to help the .....12..... people. A: I really like the .....13..... you think, and I help you become a doctor. B: Yes, thanks for your words. What is your future job? A: I want to become an English teacher. B: That is .....14..... . دانش‌آموزان عزیز، به متن زیر با دقت گوش دهید و جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.		۴
	An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others. .....15..... research has shown that a good .....16..... life decreases the risk of death. Sadly, some people do not visit their .....17..... very often these days. They are really .....18..... with their work and usually use technology to communicate.		

شماره	زبان انگلیسی (یازدهم)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیم‌سال دوم										
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۱۰۰ دقیقه	امتحان شماره ۶: نهایی خرداد ۱۴۰۳										
۱/۵	<b>Vocabulary</b> با توجه به تصاویر، مشخص کنید هر جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)		۵										
	  												
	19. .... 20. .... 21. ....												
	a. Reza put a serving of rice on the table. b. We are living in the twenty-first century. c. The man is weaving a beautiful carpet. d. Iran is a vast country in Asia. Asia is a big continent.												
۱/۵	برای هر کلمه از ستون A یک تعریف از ستون B پیدا کنید. (یک تعریف اضافی است.)		۶										
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>A</th> <th>B</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>22. I enjoyed the week <u>despite</u> the rainy weather.</td> <td>a. to find the exact size of something</td> </tr> <tr> <td>23. His music <u>reflects</u> his interest in African culture.</td> <td>b. who or what a thing or person is</td> </tr> <tr> <td>24. Iet's <u>measure</u> the table in the kitchen.</td> <td>c. without taking any notice of</td> </tr> <tr> <td></td> <td>d. to show something</td> </tr> </tbody> </table>		A	B	22. I enjoyed the week <u>despite</u> the rainy weather.	a. to find the exact size of something	23. His music <u>reflects</u> his interest in African culture.	b. who or what a thing or person is	24. Iet's <u>measure</u> the table in the kitchen.	c. without taking any notice of		d. to show something	
A	B												
22. I enjoyed the week <u>despite</u> the rainy weather.	a. to find the exact size of something												
23. His music <u>reflects</u> his interest in African culture.	b. who or what a thing or person is												
24. Iet's <u>measure</u> the table in the kitchen.	c. without taking any notice of												
	d. to show something												
۱/۵	گزینه صحیح را انتخاب کنید.		۷										
	25. We really ..... all the help you gave us last weekend. a) depend                      b) vary                      c) climb                      d) appreciate 26. Iranian art is famous all around the world. A synonym for the word "famous" is ..... a) ugly                      b) well-known                      c) tiny                      d) ashamed 27. Zahra speaks quite ..... but she's weak on grammar. a) fluently                      b) orally                      c) fortunately                      d) absolutely												
۱/۵	با استفاده از کلمات داده‌شده، جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.) <b>abilities - diversity - prevent - discount</b> Ali: Is it easy to .....28..... disease than to cure it? Ahmad: Yes, but the .....29..... of diseases in the world is surprising. Ali: How do doctors cure these illnesses? Ahmad: Luckily, their .....30..... to help patients are enough.		۸										
۲/۵	<b>Grammar</b> گزینه صحیح را انتخاب کنید.		۹										
	31. Could you please bring me ..... sugar? a) a bottle of                      b) a piece of                      c) a bag of                      d) a slice of 32. My uncle has traveled to more than 5 countries ..... 2015. a) for                      b) since                      c) ever                      d) of												



شماره	زبان انگلیسی (یازدهم)	رشته: کلیه رشته‌ها	نمونه امتحان نیم‌سال دوم	ردیف
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۱۰۰ دقیقه	امتحان شماره ۶: نهایی خرداد ۱۴۰۳	
	<p>44. This type of diet has changed people's taste and many young people now prefer fast food to homemade dishes.</p> <p>a) Fast food is popular among all the people of the world.</p> <p>b) Fast food is better than homemade dishes.</p> <p>c) Fast food is more popular than homemade dishes among young people.</p> <p>d) Fast food changes the type of homemade dishes.</p>			
۴	<p>متن زیر را با دقت بخوانید و به سوالات داده‌شده پاسخ دهید.</p> <p>Souvenirs or mementos are objects bought on holidays or kept as a sign of a person, place, or event. The word souvenir comes from the French word for memory. A few years later, it took on the meaning of a sign of a special event or experience. A souvenir as a physical object can take different shapes and functions. The objects known as souvenirs range from food to materials, cultural artifacts, postcards, or various market - produced mementos. They include pottery painting, calligraphy, rugs, carpets, etc. These objects have one thing in common. They act as marks of somebody having visited a location or an event that is not expected and thus worthy of being remembered. For example, if you travel across Iran, you will get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends. When tourists buy Persian rugs or carpets, <u>they</u> take a part of Iranian art and culture to their homeland.</p> <p><b>True / False</b></p> <p>45. Souvenirs and mementos are the same. <span style="float: right;">A) True      B) False</span></p> <p>46. Souvenir is a sign or a word which means holidays. <span style="float: right;">A) True      B) False</span></p> <p><b>Choose the best answer.</b></p> <p>47. In the above passage, the underlined word 'they' refers to ..... .</p> <p>a) friends                              b) handicrafts                              c) souvenirs                              d) tourists</p> <p>48. Which one of the following is <u>not true</u> about souvenirs?</p> <p>a) pottery, painting, calligraphy                              b) various market-produced mementos</p> <p>c) location, homelands, event                              d) cultural artifacts, postcards</p> <p><b>Answer the following questions.</b></p> <p>49. Where does the word souvenir come from?</p> <p>50. What is the shared thing that all souvenirs have?</p>			۱۴
۴	<p>متن زیر را با دقت بخوانید و به سوالات داده‌شده پاسخ دهید.</p> <p>Technology is a necessary part of life in the modern world. People are so dependent on technology that they cannot live without it. Technology has influenced all areas of human life today. It has made life comfortable by faster and easier communication and transportation. It has made education available to all and has improved health care services. Technology has changed the world into a smaller and a better place to live. Without technology, meeting the needs of human would be impossible.</p> <p>It is difficult to imagine how life would be without technology. People use technology in the following areas: transportation, communication, education, health care, and business. Despite its usefulness, technology may have negative effects on society. Using technology in the wrong way may create bad habits and new types of addictions. The growth of technology has changed the world and has influenced life greatly. Technology changes all the time, and its changes influence humans' lives and lifestyles.</p> <p><b>True / False</b></p> <p>51. Human life is under the influence of technology. <span style="float: right;">A) True      B) False</span></p> <p>52. Technology has made education easy to access for all. <span style="float: right;">A) True      B) False</span></p> <p><b>Choose the best answer.</b></p> <p>53. Which of the following is <u>true</u> about technology?</p> <p>a) Life with technology is impossible.</p> <p>b) Technology are dependent on wildlife.</p> <p>c) Technology always changes.</p> <p>d) Technology has no influence on people's health.</p>			۱۵





A: That's very good. Why do you want to become a doctor?

B: I want to help the poor people.

A: I really like the way you think, and I help you become a doctor.

B: Yes, thanks for your words. What is your future job?

A: I want to become an English teacher.

B: That is interesting.

۱۰ - matter (۰/۵)

۱۱ - right (۰/۵)

۱۲ - poor (۰/۵)

۱۳ - way (۰/۵)

۱۴ - interesting (۰/۵)

An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others. Recent research has shown that a good social life decreases the risk of death. Sadly, some people do not visit their relatives very often these days. They are really busy with their work and usually use technology to communicate.

۱۵ - Recent (۰/۵)

۱۶ - social (۰/۵)

۱۷ - relatives (۰/۵)

۱۸ - busy (۰/۵)

۱۹ - (d) (۰/۵)

۲۰ - (c) (۰/۵)

۲۱ - (a) (۰/۵)

۲۲ - (c) (۰/۵)

۲۳ - (d) (۰/۵)

۲۴ - (a) (۰/۵)

۲۵ - گزینه «d» appreciate (۰/۵)

۲۶ - گزینه «b» well-known (۰/۵)

۲۷ - گزینه «a» fluently (۰/۵)

۲۸ - prevent (۰/۵)

۲۹ - diversity (۰/۵)

۳۰ - abilities (۰/۵)

۳۱ - گزینه «c» a bag of (۰/۵)

۳۲ - گزینه «b» since (۰/۵)

۳۳ - گزینه «c» after (۰/۵)

۳۴ - گزینه «d» don't / won't (۰/۵)

۳۵ - گزینه «a» confused (۰/۵)

۳۶ - will say (۰/۵)

۳۷ - have known (۰/۵)

Meysam: I heard you know three languages. Is that right?

Mr. Saberian: Well, actually four languages.

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

۱ - False (۰/۵)

۲ - False (۰/۵)

۳ - True (۰/۵)

۴ - False (۰/۵)

A: I love my computer.

B: Computers are so cool.

A: I love to go online.

B: The Internet is amazing.

A: You can travel all over the world.

B: I know. I went to China yesterday!

A: What did you do?

B: I stood on the Great Wall and looked all around.

A: What was it like?

B: It was like the real thing.

A: It was like being there?

B: Yes, I felt like I was actually there.

۵ - گزینه «a» going online (۰/۵)

۶ - گزینه «c» amazing (۰/۵)

۷ - گزینه «c» Internet (۰/۵)

۸ - گزینه «a» went to China (۰/۵)

۹ - گزینه «b» real (۰/۵)

A: Hi, you are looking so much happy. What's the matter?

B: Yes, you are right. Actually, I was talking with my father about my life.

A: Were you talking about your job in the future?

B: Yes, I was.

A: And what's that?

B: I want to become a doctor.

(۱) - ۵۵

(It has made life comfortable) by faster and easier communication and transportations.

(۱) - ۵۶

Using technology in the wrong way may create bad habits and new types of addictions.

- ۵۷

My mother cooked the cake happily

S	V	O	AI (manner)
(۰/۲۵)	(۰/۲۵)	(۰/۲۵)	(۰/۲۵)

in the kitchen last Sunday.

AI (place)	AI (time)
(۰/۲۵)	(۰/۲۵)

(۰/۵) «c» - ۵۸

(۰/۵) «a» - ۵۹

(۰/۵) «b» - ۶۰

(۰/۵) «d» - ۶۱

(۰/۵) Learning - ۶۲

(They try) to solve the puzzle. (۱) - ۶۳

(He is interested in) studying the book. (۱) - ۶۴

(پاسخ‌های زیر صرفاً جنبهٔ پیشنهادی دارد و در صورتی که دانش‌آموز پاسخی را بنویسد که در آن اصول نگارش جمله رعایت شده باشد و از نظر معنایی مناسب باشد، نمرهٔ کامل تعلق می‌گیرد.)

(۱) - ۶۵

(She told him not) to work with computer a lot.

(۱) - ۶۶

(Because working) with computer a lot is harmful to his health.

- ۳۸

Did you feel satisfied with the film?

(۰/۲۵) (۰/۲۵) (۰/۲۵) (۰/۲۵) (۰/۲۵) (۰/۲۵)

- ۳۹

How much water do you drink every day?

(۰/۲۵) (۰/۲۵) (۰/۲۵) (۰/۲۵)

hasn't given up (hasn't quit) (۱) - ۴۰

(۰/۵) «d» - ۴۱

(۰/۵) «c» - ۴۲

(۰/۵) «a» - ۴۳

(۰/۵) «c» - ۴۴

(۰/۵) True - ۴۵

(۰/۵) False - ۴۶

(۰/۵) tourists «d» - ۴۷

«c» - ۴۸

location, homelands, event (۰/۵)

(۱) - ۴۹

It comes from the French word for memory.

(۱) - ۵۰

They act as marks of somebody having visited a location or an event that is not expected and thus, worthy of being remembered.

(۰/۵) (True) - ۵۱

(۰/۵) (True) - ۵۲

(۰/۵) «c» - ۵۳

Technology always changes.

(۰/۵) «a» - ۵۴

Technology helps people get what they want.